

سندیکا مدرسه‌ی دایمی آموزش کارگران است

مازیار گیلانی نژاد*

پس از پیروزی انقلاب، حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان، که خود نقش اساسی و تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشتند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت اصول 26 و 104 منعکس شد و رسمیت پیدا کرد. در اصل 26 قانون اساسی، حق تشکل صنفی کارگران به صراحت و روشنی تام انعکاس یافته است. این اصل را می‌توان سرفصل دستاوردهای کارگران ایران دانست. تعلق خاطر کارگران به رعایت کامل این اصل نیز ناشی از چنین اهمیتی است. چنانچه در اصل 26 دیده می‌شود کارگران و زحمتکشان اعم از شاغلان کاریدی و فکری، بدون هیچ‌گونه محدودیتی از لحاظ سنی، نژادی، مذهبی، عقیدتی و ملیت آزادند در تشکل‌های خود گرد آیند و از منافع صنفی، اجتماعی خود دفاع کنند. «هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد، یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت»

ذکر قسمت اخیر در اصل 26 تصادفی نیست. این حاصل تجربه‌ی تلخ دوران دیکتاتوری رژیم سلطنتی است که خود را به هر نوع دخالتی در امور احزاب و تشکل‌های کارگری مجاز می‌دانست. به منظور جلوگیری از چنین اقدامی در آینده از هر جانبی که باشد قانون اساسی به درستی هر نوع دخالت را در انجمن‌های صنفی و سایر تشکل‌های سیاسی و اجتماعی با قاطعیت تمام منع می‌کند. سندیکا سازمان صنفی طبقه‌ی کارگر است. سندیکاها در جریان مبارزه‌ی کارگران برای دفاع از منافع خود و بهبود شرایط اقتصادی خود متولد می‌شوند. موفقیت سندیکا در پیشبرد خواست‌ها و اهداف کارگری در گرو مشارکت همه‌ی کارگران و جلب حمایت تمام زحمتکشان است. پاره‌ای از این خواست‌ها و اهداف در سطح کارگاه قابل وصول است، ولی بخش عمده‌ای از آن در گرو عمل مشترک کارگران در سطحی فراتر از کارگاه یعنی در مقیاس‌های محلی - منطقه‌ای و کشوری میسر خواهد بود. از جمله تعیین دستمزدها در هر سال، و یا تصویب قوانین در قانون کار به سود کارگران.

فعالیت سندیکایی در کارگاه یکی از عوامل عمده‌ای است که به کارگران امکان می‌دهد اشتراک منافع خود را دریابند و بیش از هر کجای دیگر هم در جریان فعالیت سندیکایی صنف خود قرار گیرند و هم آموزش ببینند. با چنین آموزشی است که فعالان سندیکایی شناخت و تجربه‌ی لازم را برای ایفای وظایف و مسئولیت‌های بزرگتر اجتماعی و طبقاتی خود به دست می‌آورند. آری سندیکا مدرسه‌ی دایمی آموزش کارگران است. مهم‌ترین مشخصه‌ی تشکل‌های صنفی کارگران، داوطلبانه بودن و ایجاد آنها از پایین با ابتکار خود کارگران است. قدرت و نیروی سندیکا در این است که غیر وابسته به دولت و احزاب سیاسی هستند و رهبری آنها بدون هر نوع دخالتی، از جانب کارگران و فقط با اتکا به اعتماد اعضای صنف خود انتخاب می‌شوند و فقط در برابر آنها مسئول و پاسخگو هستند. شما این خواص را از هر سندیکایی بگیرید، در آن صورت آنها را محکوم به نابودی می‌سازید. همین که کارگران احساس کنند که در ایجاد و اداره‌ی تشکل خود آزاد نیستند، از این تشکل‌ها روگردان و گریزان می‌شوند. استقلال و آزادی سندیکاهای کارگری در همه‌ی کشورهای انقلابی و نواستقلال و حتا در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، بر اثر مبارزه‌ی کارگران رعایت و محترم شمرده می‌شود. نقش سندیکاهای کارگری در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در بهبود شرایط کار و حفظ ایمنی آن، بیمه‌های اجتماعی، تعیین سطح دستمزدها و درآمدهای واقعی کارگران تعیین کننده است. در این کشورها بدون موافقت اتحادیه‌های کارگری احدی را نمی‌توان از کار اخراج کرد و یا به کاری با دستمزد و حقوق کمتر واداشت. قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی با شرکت سندیکاها تنظیم می‌شود و بر چگونگی اجرای آن نظارت دارند. برای نمونه می‌توان از اعتصاب سراسری معدن‌چیان انگلیس در زمان صدارت خانم تاچر نام برد که در جهت تعیین سطح دستمزدها اتحادیه‌ی معدن‌چیان به یک اعتصاب نامحدود که دو سال و نیم طول کشید، دست زدند و دولت تاچر ناگزیر به خواست اتحادیه‌ی کارگران تن داد. به همین دلیل است که امروز کارگران کشورمان جهت تشکیل سندیکاهای مورد نظر خود تلاش می‌کنند و بیش از هر زمان دیگری، خلاء نبود سندیکاها را احساس می‌کنند.

منبع: فرهنگ توسعه

* عضو هیات موسسان سندیکاهای کارگری